

مؤلفه‌های زبان‌شناختی و جامعه‌شناختی - معنایی و بازنمایی کنشگران اجتماعی در متون مطبوعاتی

مسعود اسدی^{۱*}، ارسلان گل‌فام^۲، فردوس آقا‌گل‌زاده^۳، آزیتا افراشی^۴

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
۲. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۳. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۴. دانشیار زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

دریافت: ۹۲/۱۱/۱۰
پذیرش: ۹۲/۲/۲۱

چکیده

پژوهش حاضر را با هدف شفافسازی متون مطبوعاتی و کشف لایه‌های پنهان معانی آن‌ها در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی انجام داده‌ایم؛ بنابراین، چهل متن از چهار روزنامه داخلی ایران را در یک دوره دو ماهه مرداد و شهریور ۱۳۹۰، با بهره‌گیری از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی الگوی ون لیوون (۱۹۹۱) به صورت کیفی تجزیه و تحلیل کردیم. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که ایدئولوژی حاکم بر ذهن نویسندها، گروه‌ها و صاحبان اندیشه، با بهره‌گیری از مؤلفه‌های گفتمان‌دار همچون تشخوصخشی، شخص‌زدایی، فعال‌سازی، کمرنگ‌سازی و ... در متن منعکس می‌شود و ظاهر زبان‌شناختی ساخته‌های گفتمان‌دار در متون، در قالب ساخته‌های زبانی نظیر فرآیند اسم‌سازی، استفاده از توصیفگرهای پیشین (در ترکیب اضافی)، معلوم در برابر مجھول، همپاییگی و ... صورت می‌گیرد. همچنین، مؤلفه‌های گفتمان‌دار و ایدئولوژی و روابط قدرت در تعامل تنگاتنگ هستند و رابطه‌ای دوسویه دارند که با بررسی این ساخته‌ها در متون و نهادهای اجتماعی قابل تبیین است.

وازگان کلیدی: تحلیل گفتمان انتقادی، ساخته‌های گفتمان‌دار، مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی، کنشگران اجتماعی، ایدئولوژی.

۱. مقدمه

تحلیل گفتمان انتقادی^۱ رویکردی نوین در حوزه تحلیل گفتمان است که به بررسی و کشف روابط قدرت^۲ پنهان و ایدئولوژی در پس متون می‌پردازد. در تحلیل گفتمان، بافت موقعیتی که شامل محیط بلافصل، منظور گوینده، دانش پس‌زمینه و ... است، مبنای تحلیل قرار می‌گیرد؛ ولی در تحلیل گفتمان انتقادی، مفاهیمی همچون ایدئولوژی و قدرت نیز وارد تحلیل می‌شوند، بافت گسترش می‌یابد و روابط تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ... را نیز دربر می‌گیرد تا تحلیل از سطح توصیف فراتر برود و به سطح تحلیل و تبیین برسد. در این رویکرد، این اعتقاد وجود دارد که متون خنثی از بار ایدئولوژیکی نیستند و حوادث و رویدادها از منظر خاصی گزارش می‌شوند؛ به سخن دیگر، می‌توانیم به بازکاوی ایدئولوژی‌های مسلط درین متون مختلف دست یازیم. در این رویکرد، زبان و گفتمان دارای سطوح و لایه‌هایی است؛ در سطوح زبرین حاوی ایدئولوژی و روابط قدرت و سلطه است و در سطوح زبرین حاوی ساختارها و مؤلفه‌های گفتمان‌دار. کار ساختارهای گفتمان‌دار^۳ تصویرسازی کنشگران اجتماعی^۴ است. کنشگران اجتماعی همه افرادی هستند که در یک گفتمان حضور دارند و به‌کمک مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی^۵ به گونه‌های مختلف در گفتمان بازنمایی می‌شوند. در مقاله حاضر، می‌خواهیم با بهکارگیری الگوی ون لیوون^۶ (1995 & 1996) و تحلیل متون مطبوعاتی نشان دهیم که نحوه نگرش و ایدئولوژی نویسندهان و تولیدکنندهان متون در هیئت ساختارهای گفتمان‌دار نمود پیدا می‌کنند و این دو با یک‌یگر تعامل تنگاتنگ دارند. پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. ایدئولوژی حاکم بر ذهن نویسندهان، گروه‌ها و صاحبان اندیشه چگونه در متون انعکاس می‌یابد؟

۲. تظاهر زبان‌شناختی ساختهای گفتمان‌دار در متون مورد تحقیق چگونه صورت می‌گیرد؟
۲. رابطه میان مؤلفه‌های گفتمان‌دار و ایدئولوژی و روابط پنهان قدرت در پس این متون را چگونه می‌توانیم تبیین کنیم؟

پاسخ به پرسش‌های بالا، در راستای کشف رابطه میان مؤلفه‌های زبانی از یک سو و مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی از سوی دیگر است که برای القای طرز فکر و ایدئولوژی پنهان در پس متون به خدمت گرفته می‌شوند؛ زیرا «آنچه متن را می‌سازد و باعث فهم متون می‌شود،

تنها توصیف رمزهای زبان‌شناختی و معانی زبانی نیست؛ بلکه عوامل ایدئولوژیکی و طرز نگرش و یا بینش اشخاص (نویسندهان) و صاحبان افکار پنهان در آن سوی متون از عوامل مؤثر در تولید و درک متون به‌شمار می‌روند» (آقالگرزاده و غیاثیان، ۱۳۸۶: ۱۹۷).

۲. مبانی نظری و پیشینهٔ پژوهش

تحلیل گفتمان در جریان تحول تاریخی خود، دو مسیر مختلف را طی کرده است. یک مسیر در زبان‌شناسی ریشه دارد و مسیر دیگر در فلسفهٔ سیاسی-اجتماعی. تاریخ تحول تحلیل گفتمان در حوزهٔ زبان‌شناسی در سه مرحلهٔ تحلیل گفتمان ساخت‌گرا (گفتمان به‌مثابهٔ زبان فراتر از جمله)، تحلیل گفتمان نقش‌گرا (گفتمان به‌مثابهٔ زبان به‌هنگام کاربرد) و تحلیل گفتمان انتقادی، قابل بررسی است. سلطانی (۱۳۸۴) یک وجه اشتراک را برای هر سه رویکرد تحلیل گفتمان ساخت‌گرا، نقش‌گرا و انتقادی ذکر می‌کند؛ اینکه در هر سه، زبان بزرگتر از گفتمان است و گفتمان چیزی است که در درون زبان روی می‌دهد و تابع زبان است. در مقابل رویکردهای زبان‌شناختی، در حوزهٔ علوم انسانی و اجتماعی، گفتمان به‌گونهٔ دیگری تحول یافته است. به عقیدهٔ فوکو^۷ (Jorgenson & Phillips, 2002: 29-34)، این گفتمان است که از زبان بزرگتر است و نه تنها زبان، بلکه بسیاری از پدیده‌های اجتماعی دیگر را در سیطرهٔ تأثیرات خود قرار می‌دهد. هیچ چیز دارای هویت نیست و هویت خود را از گفتمانی به‌دست می‌آورد که در آن قرار می‌گیرد.

به‌گفتهٔ کرس^۸، «در زبان‌شناسی انتقادی هدف از تجزیه و تحلیل الزاماً کشف معانی پیچیده و غیرعادی موجود در متن نیست؛ بلکه ابهام‌زدایی و شفاف کردن آن دسته از فرآیندهای مربوط به تولید و درک است که به تحلیلگران این قدرت را می‌دهد که بتوانند عملکرد ایدئولوژی را در زبان ببینند و به دیگران معرفی کنند» (Kress, 1985: 65). در زبان‌شناسی، ایدئولوژی به مجموعه‌ای از عقاید، برداشت‌ها و ارزش‌های نظاممندی اطلاق می‌شود که در یک جامعه یا بخشی از آن ساری و جاری است (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۰۰). گرامشی^۹ ایدئولوژی را فلسفه‌ای ضمنی می‌داند که در فعالیت‌های کاربردی زندگی فردی و اجتماعی، چون هنر و اقتصاد، ساری و جاری است، در پس‌زمینه قرار دارد و بدیهی فرض می‌شود (Fairclough, 1989: 84). چنین برداشتی از ایدئولوژی، آن را به عقل سليم مرتبط می‌کند.

یارمحمدی و سیف (۱۳۸۳) با تحلیل گزیده‌هایی از روزنامه‌های فارسی‌زبان و انگلیسی‌زبان (در آمریکا و انگلیس) دربار مذااعات اسرائیلی‌ها و فلسطینیان، با بهره‌گیری از الگوی ون لیوون (۱۹۹۶) نشان می‌دهند که بین ساخت ایدئولوژیک و ساخت گفتمان‌مدار ارتباط دوسویه وجود دارد. کلانتریان (۱۳۹۱) با استفاده از الگوی بازنمایی کنشگران اجتماعی ون لیوون (۲۰۰۸)، به بررسی مسئله هسته‌ای ایران از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی پرداخت و نشان داد که چگونه رسانه‌های مکتوب دو جناح مطرّح در عرصه سیاسی ایران، یعنی اصلاح طلبان و اصول‌گران، به بازنمایی کنشگران اجتماعی در ارتباط با این امر پرداخته‌اند و ایدئولوژی صاحبان این رسانه‌ها تا چه حد در این بازنمایی دخیل بوده است. صحراء‌گرد و شیروانی (۱۳۹۱) به مقایسه بازنمایی هویت شهروندان ایران مهاجر در متون مطبوعاتی داخل و خارج از کشور، از منظر تحلیل گفتمان انتقادی پرداخته‌اند. آن‌ها با تعیین میزان معناداری هر روزنامه با روش‌های آماری نشان دادند که رازگونگی روزنامه‌های داخلی بیشتر از خارج کشور بوده است. پوشنه و بابک معین (۱۳۹۲) تلاش کرده‌اند با تحلیل کیفی گفتمان در روایتی از ابراهیم گلستان (۱۳۸۴)، بین پیام نهفته در متن که بربایه ایدئولوژی خاصی سامان یافته است و نحوه بیان آن ارتباط برقرار کنند. حاصل پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که مؤلف به منظور تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب و شرایط سیاسی-اجتماعی پیرامون متن و دیدگاه‌های فکری-اجتماعی وی، کنشگران اجتماعی مختلف را به شیوه‌های متفاوتی بازنمایی کرده است.

۳. روش انجام پژوهش

تحلیل گفتمان انتقادی یک رویکرد یکست و دارای روشی پذیرفته برای همگان نیست و به لحاظ روش‌شناسی حاوی گلچینی از روش‌ها است؛ اما فصل مشترک همه آن‌ها مفهوم انتقادی است. در این پژوهش، از روش کیفی درجهت تحلیل و تبیین متون استفاده کرده‌ایم؛ زیرا تحلیل متن از نظر ماهیت کیفی و از نظر نوع اکتشافی است. یکی از راه‌های تحلیل کیفی، درنظر گرفتن نظریه یا چارچوبی در داخل الگویی خاص است که اصولی پذیرفته شده دارد (آقاگلزاده، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵).

الگوی تحلیل در این تحقیق، الگوی جامعه‌شناسی-معنایی ون لیوون (۱۹۹۶) است. از دید فرکلاف، گفتمان همان «زبان بهمنزله کش اجتماعی است» (Fairclough, 1989: 17- 22). به عقیده ون لیوون، «کلیه کارهایی که مردم، با مقادیر مختلفی از آزادی که توسط عرف یا تجویز آشکار یا

ترکیبی از هر دو محرز شده است، به طور روزمره انجام می‌دهند، کردار اجتماعی محسوب می‌گردد» (Van Leeuwen, 1993: 30). مهمترین عناصر کردار اجتماعی عبارتند از: شرکت‌کنندگان در کردار اجتماعی (کنشگرهای اجتماعی)، فعالیت‌هایی که شرکت‌کنندگان در آن حضور دارند (کنش^۱) و عکس‌العمل‌هایی که شرکت‌کنندگان نسبت به سایر شرکت‌کنندگان یا سایر کنش‌ها از خود نشان می‌دهند (واکنش^۲) (همان). در این پژوهش، به بررسی شیوه‌های بازنمایی کنشگران اجتماعی می‌پردازیم. برخلاف شیوه رایج در تحلیل گفتمان انتقادی که با ابزارهای زبانی مانند اسم‌سازی، حذف فاعل در ساخت مجھول و مقولات زبان‌شناسی همچون Hodge, R. & G. Kress, 1979; Fairclough, 1989; Van Dijk, 1989; Wodak, 1995; Wodak & Meyer, 2009 مقوله گذراي آغاز می‌شود (Hodge, R. & G. Kress, 1979; Fairclough, 1989; Van Dijk, 1989; Wodak, 1995; Wodak & Meyer, 2009)، ون لیون تحیل خود را با مؤلفه‌های جامعه‌شناختی- معنایی آغاز می‌کند که به بازنمایی کنشگران اجتماعی می‌پرداز. ون لیون (1996) در مقاله «بازنمایی کنشگران اجتماعی»^۳، با ارائه فهرستی از شیوه‌های بازنمایی کنشگران اجتماعی و تعریف و تبیین هریک از آن‌ها، استدلال می‌کند که مطالعه مؤلفه‌های جامعه‌شناختی- معنایی گفتمان، نسبت به بررسی مؤلفه‌های زبان‌شناختی، شناختی عمیق‌تر و جامع‌تر از متن ایجاد می‌کند. به باور وی، این مؤلفه‌ها در نشان دادن لایه‌های زیرین متن کارایی بیشتری دارند. ون لیون معتقد است که در تحلیل گفتمان انتقادی، نخست باید توجیه گفتمانی به‌کارگیری و یا عدم به‌کارگیری هریک از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی- معنایی را مشخص کنیم و سپس به تحقق زبان‌شناختی آن‌ها در گفته یا متن بپردازیم. دلیل اصلی ون لیون در مقدم دانستن مؤلفه‌های جامعه‌شناختی- معنایی بر مؤلفه‌های زبان‌شناختی این است که کنشگران زبان‌شناختی و کنشگران اجتماعی همواره بر یکدیگر منطبق نیستند؛ مثلاً در عبارت «اولین خبرنگار خارجی» که در اشغال کابل توسط طالبان به قتل رسید ...»، «اولین خبرنگار خارجی» گرچه از نظر زبان‌شناختی فاعل است، از لحاظ جامعه‌شناختی کنش‌پذیر^۴ است و «طالبان» عاملان^۵ و فعالان واقعی هستند. به‌دلیل عدم وجود رابطه یک‌به‌یک بین مقولات جامعه‌شناختی و زبانی، اگر در بازنمایی عاملیت تنها بر ابزارهای زبانی تکیه کنیم، از بسیاری از موارد عاملیت چشم‌پوشی خواهیم کرد؛ به همین دلیل، ون لیون ابتدا بر مؤلفه‌های جامعه‌شناختی- معنایی تأکید می‌کند و سپس تجلی زبانی آن‌ها را بهنمایش می‌گذارد. دلیل دیگر این است که معنا و منظور، از فرهنگ گویشوران نشئت می‌گیرد،

نه از زبان. گرچه نظریهٔ ون لیوون ارجحیت را به کارکردهای اجتماعی می‌دهد، هنوز در زبان پایه دارد؛ زیرا شیوه‌های بازنایی کنشگران اجتماعی با تظاهرات زبان‌شناختی و تحقق کلامی آن‌ها به هم گره خورده است و تنها در این نظریه، اولویت به مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی داده شده است.

داده‌های این پژوهش را ازین سرمهاله‌ها و یادداشت‌های روز چهار روزنامهٔ چاپ ایران در دورهٔ زمانی دوماهه (ماه‌های مرداد و شهریور ۱۳۹۰) انتخاب کردیم. ۴۰ متن از روزنامه‌های «شرق» و «اعتماد» (وابسته به جریان موسوم به اصلاح طلب) و «رسالت» و «کیهان» (وابسته به جریان موسوم به اصول‌گرا) را برگزیدیم (از هر نشریه ۱۰ متن). این متون عبارت‌اند از:

روزنامهٔ شرق: سرمهاله‌های شمارهٔ ۱۳۰۲ (۲ مرداد)، ۱۳۰۵ (۶ مرداد)، ۱۳۰۹ (۱۱ مرداد)، ۱۳۱۴ (۱۷ مرداد)، ۱۳۱۷ (۲۰ مرداد)، ۱۳۲۲ (۲۶ مرداد)، ۱۳۲۶ (۱ شهریور)، ۱۳۳۵ (۱۴ شهریور)، ۱۳۴۶ (۲۷ شهریور) و ۱۳۵۰ (۳۱ شهریور).

روزنامهٔ اعتماد: یادداشت‌های روز شمارهٔ ۲۲۲۰، ۲۲۲۰ (دو متن (۴ مرداد)، ۲۲۲۷ (۱۲ مرداد)، ۲۲۳۰، ۲۲۳۰)، ۲۲۵۱ (۱۲ شهریور)، ۲۲۵۳ (۱۵ شهریور)، ۲۲۵۴ (۱۶ شهریور)، ۲۲۵۷ (۲۰ شهریور)، ۲۲۵۸ (۲۱ شهریور) و ۲۲۶۷ (۳۱ شهریور).

روزنامهٔ رسالت: سرمهاله‌های شمارهٔ ۷۶۲۰ (۳ مرداد)، ۷۶۲۳ (۶ مرداد)، ۷۶۲۶ (۱۰ مرداد)، ۷۶۳۴ (۱۹ مرداد)، ۷۶۳۵ (۲۰ مرداد)، ۷۶۳۷ (۲۲ مرداد)، ۷۶۳۹ (۲۵ مرداد)، ۷۶۴۷ (۵ شهریور)، ۷۶۵۰ (۷ شهریور) و ۷۶۶۱ (۲۳ شهریور).

روزنامهٔ کیهان: یادداشت‌های روز شمارهٔ ۱۹۹۸۰ (اول مرداد)، ۱۹۹۸۷ (۹ مرداد)، ۱۹۹۹۰ (۱۲ مرداد)، ۱۹۹۹۷ (۲۰ مرداد)، ۲۰۰۰۰ (۲۴ مرداد)، ۲۰۰۰۴ (۲۹ مرداد)، ۲۰۰۰۸ (۳ شهریور)، ۲۰۰۱۰ (۶ شهریور)، ۲۰۰۱۷ (۱۶ شهریور) و ۲۰۰۲۱ (۲۱ شهریور).

در این پژوهش، از نمونه‌گیری زنجیره‌ای^{۱۰} استفاده کردیم و به همین دلیل نظر افراد آگاه را بر انتخاب متون جویا شدیم. بیشتر آنان بر ارزشمندی تحلیل این متون تأکید داشتند.

در پژوهش حاضر، تحلیل کی و محاسبه آماری مورد توجه نبوده است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها ابتدا هر متن را به‌طور دقیق و کامل مطالعه کردیم و با توجه به الگوی تحلیل (ون لیوون، ۱۹۹۶)، مؤلفه‌های گفتمان‌مدار را استخراج، تحلیل و تبیین نمودیم. در مرحلهٔ بعد، تا جایی که ممکن بود نمودهای زبانی مؤلفه‌های گفتمان‌مدار در متون را تعیین کردیم و سرانجام افکار پنهان و

ایدئولوژی‌های مسلط در پس متون را مورد بازکاوی قرار دادیم.

۴. تحلیل داده‌ها

۱-۱. مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی و نمودهای زبانی آن‌ها

مؤلفه‌های جامعه‌شناختی- معنایی انواع و زیرمقوله‌های متعددی دارد که معرفی همه آن‌ها در نوشتار حاضر نمی‌گجد؛ بنابراین، در متون مورد بررسی، تنها موارد زیر را که به پرسش‌ها و هدف تحقیق مربوط می‌شوند، کشف و معرفی می‌کنیم:

۱-۱-۱. حذف^{۱۶} و اظهار^{۱۷}

در این روش، حضور (اظهار) و یا عدم حضور (حذف) شرکت‌کنندگان در فعالیت‌های اجتماعی و تجلی آن‌ها در زبان صورت‌های مختلفی دارد. گاهی یک کنشگر اجتماعی به دلایل و انگیزه‌های مختلف در یک گفتمان حذف می‌شود. حذف به دو روش پنهان‌سازی^{۱۸} و کمرنگ‌سازی^{۱۹} صورت می‌گیرد. در پنهان‌سازی، حذف به گونه‌ای شکل می‌گیرد که بازشناسی کنشگر هرگز ممکن نیست و حتی اعمال و رفتار او نیز حذف می‌شود؛ ولی در کمرنگ‌سازی، با اینکه کنشگر اجتماعی حذف می‌شود، جایایی از خود در نقطه‌ای دیگر برجای می‌گذارد تا بتوانیم آن را بازیابی کنیم. در مثال‌های زیر، نمونه‌هایی از پنهان‌سازی و کمرنگ‌سازی را می‌بینیم:

۱. «من در این یادداشت درباره قانونی بودن یا نبودن این کار بحث نمی‌کنم [...](پنهان‌سازی) (اعتماد).

کنشگرانی که حذف و رد صلاحیت‌های نامزدها را قانونی کردند، حذف شده است. نویسنده عمدأً عاملان کنش را معرفی نمی‌کند.

نمود زبانی: استفاده از فعل ربطی به جای فعل سبی (قانونی بودن به جای قانونی کردن).

۲. «همچنین هر انتخاباتی به نسبتی که دارای محدودیت در آزادی بیان یا [...] (پنهان‌سازی) (اعتماد).

در اینجا، حذف کنشگر (کسانی که در آزادی بیان محدودیت ایجاد می‌کنند) صورت گرفته است و پنهان‌سازی شده است. در اینجا، پنهان‌سازی به این دلیل انجام شده است که نقش عمل

• مهم است. از این طریق، نویسنده مسئولیت معرفی عاملان را نیز از خود سلب می‌کند.

نمود زبانی: اسم‌سازی (استفاده از اسم به‌جای فعل، یعنی محدودیت به‌جای محدود کردن).

۲ «رسانه‌های دولتی بنابر فعالیت تعریف شده خود عموماً مأموریت تبلیغ [...]» (پنهان‌سازی) (شرق).

چه کسانی یا دسته‌هایی این فعالیت را تعریف کرده‌اند؟ فعالیتی که برای رسانه‌های دولتی تعریف شده است، مطلوب نویسنده نیست و به‌طور غیرمستقیم از این عمل انتقاد می‌کند؛ اما عاملان کنش را پنهان می‌سازد و مسئولیت معرفی آن‌ها را به‌عهده نمی‌گیرد.

نمود زبانی: تجلی فرآیند به‌صورت صفت (تعریف شده).

۴ «[...] با سربازان ارتش رسانه‌ای غرب در ایران و خارج از مرزهای ایران بخورد شود [...]» (کمنگ‌سازی) (رسالت).

در اینجا، عامل کنش «بخورد کردن» عمدتاً حذف شده است و نویسنده به دلایل تمایل ندارد مستقیماً از عاملان این کنش بگوید؛ ولی در جای دیگر متن، به‌طور غیرمستقیم آن‌ها را معرفی می‌کند. منظور نویسنده بخورد از سوی دستگاه قضایی کشور، احزاب و گروه‌های اسلامی و نهادهای مسئول امنیتی هستند؛ بنابراین، در اینجا حذف کنشگر اجتماعی گفتمان‌مدار است.

نمود زبانی: حذف عامل در بند مجھول.

در موارد دیگر، کنشگران اجتماعی آشکارا در گفتمان‌ها ذکر می‌شوند. بازنمایی کنشگران اجتماعی به این صورت، شیوه‌های مختلفی دارد که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۴-۱-۲. تعیین نقش^{۲۰}

مفهوم تخصیص نقش در نظام ون لیوون، به نقش‌های فعال یا منفعلی مربوط است که به کنشگرهای اجتماعی داده می‌شود و شامل همه فعالیتهایی است که این کنشگران در آن‌ها شرکت می‌کنند. از آنجا که نقش‌های کنشگران اجتماعی الزاماً با نقش‌های دستوری و زبان‌شناختی کنشگران یکی نیست، می‌توانیم از نو روابط میان فعالان و منفعلان را در روابط اجتماعی تعیین کنیم.

در تحلیل گفتمان، نقش‌هایی که در بازنمایی به کنشگران اختصاص داده می‌شوند (تعیین عامل و یا پذیرنده عمل) بسیار اهمیت دارند. این نقش‌دهی به دو صورت فعال‌سازی^{۲۱} و منفعل‌سازی^{۲۲}

صورت می‌گیرد. در فعالسازی، کنشگر اجتماعی به عنوان نیرویی فعال، پویا و اثرگذار معرفی می‌شود و در منفعلسازی، کنشگر اجتماعی متحمل اثر یک کنش می‌شود و به‌گونه‌ای تصویرسازی می‌شود که گویی به عمل تن می‌دهد یا آن را می‌پنیرد و یا به خود می‌گیرد. مثال‌های زیر نمونه‌هایی از این دو شیوه بازنمایی کنشگر هستند:

۱-۲-۱. فعالسازی

۱. «به‌خاطر دارم که چندبار وزرای دولت‌های پیشین در جلسات پارلمان در بررسی عملکرد سمتگاه‌های خود به روزنامه دولتی ایران و ایرنا اعتراض کردند [...]» (شرق).

نمود زبانی: کنشگر به عنوان فاعل در بند معلوم.

چون سخن درباره وزرای دولت‌های پیشین (منظور دولت‌های اصلاح طلب) است، نه دولت فعلی، بازنمایی آن به شکل فعال مسئولیتی را متوجه نویسنده نمی‌کند.

۲. «انتخابات خوب و کامل، انتخاباتی است که امکان مشارکت همه شهروندان جامعه را فراهم کند و کسی را از گردونه خود خارج نکند» (اعتماد).

نمود زبانی: استقاده از توصیفگر پیشین (ترکیب اضافی).

شهرروندان در حمایت از ساختار سیاسی و مشارکت در انتخابات فعال بازنمایی شده‌اند. نویسنده با این شیوه تصویرسازی، مردم را در کانون توجه قرار می‌دهد و می‌کوشد ذهن خوانندگان را متوجه این نکته کند که از نظر او و همفکرانش، مردم و حقوق شهروندی آن‌ها مهم است و تضییع حقوق آنان و سلب حق انتخاب آن‌ها به هر طریقی عملی غیراخلاقی و غیرقانونی است که موجب تضعیف امنیت در جامعه می‌شود.

۳. «نگاه امام (ره) به رسانه این بود که آرمان‌های ملت را انعکاس بدهد، جامعه را نسبت به توطئه دشمن آگاه کند و مبلغ احکام اسلام و احکام دین باشد» (رسالت).

نمود زبانی: استقاده از توصیفگر پیشین (ترکیب اضافی).

دشمن به عنوان نیرویی فعال، پویا و توطئه‌گر و کسی که می‌تواند برای کشور و ملت خطرناک باشد، تصویرسازی شده است.

۴-۲-۲. منفعل‌سازی

۱. «موازی‌کاری» با هدف اخلال در اقتدار بین‌المللی و داخلی نظام اسلامی که دور زدن وزرا در چرخه امور جاری و اختصاصی وزارت‌خانه‌ها [...] (کیهان).

نمود زبانی: کنشگر در جایگاه مفعول صریح بند معلوم.

در این عبارت، «وزرا» کنشگرانی هستند که در مقابل اعمال اخلال‌گرانه جریان موسوم به انحرافی، منفعل بازنمایی شده‌اند.

۲. «[...] قتل آقای صارمی، روز نمادین در بزرگداشت ضرورت آزادی مطبوعات و [...]» (شرق).

نمود زبانی: استقاده از توصیفگر پیشین.

صحبت از کش منفی (قتل و اعدام) است؛ بنابراین بازنمایی خبرنگار ایرانی (آقای صارمی) به این صورت، هدفمند است. در آغاز این متن، یک خبرنگار در مقابل شبه‌نظامیان طالبان منفعل بازنمایی شده است، در ادامه متن، خبرنگاران و روزنامه‌نگاران در مقابل افراد و گروه‌هایی منفعل هستند که محدودیت‌ها و مشکلاتی را بر آن‌ها روا می‌دارند و در پایان متن، تأکید نویسنده بر لزوم جبران خسارتی که به خبرنگاران و روزنامه‌نگاران مستقل وارد آمده است گفتمان‌مدار است.

۳. «به هر نسبتی که مردم جامعه [...] از دایرة انتخاب‌شوندگان خارج شوند، به همان نسبت [...]» (اعتماد).

نمود زبانی: کنشگر در جایگاه فاعل جمله مجہول.

در نمونه بالا، «مردم» کنشگری است که در یک فرآیند منفی به صورت منفعل بازنمایی شده است. این شیوه تصویرسازی احساس همدردی و هم‌لی خوانندگان را به همراه دارد؛ به سخن دیگر، نویسنده متن با این شیوه تصویرسازی کنشگر به عنوان پذیرنده یک فرآیند منفی، تبعات ناگوار کش را برجسته می‌کند.

۴-۱-۲. تعیین نوع اشاره^{۷۳}

در هر گفتمان، می‌توانیم به کنشگرهای اجتماعی مشخصه انسانی و یا غیرانسانی دهیم. چنانچه کنشگر به صورت انسان بازنمایی شود و با استقاده از اسامی خاص، انواع خمایر شخصی و ...

در زبان متجلی شود، در مقولهٔ تشخوصبخشی^{۷۴} قرار می‌گیرد و چنانچه به صورت غیرانسان بازنمایی شود، در مقولهٔ تشخوصزادی^{۷۵} قرار می‌گیرد.

۱-۳-۴. شیوه‌های تشخوصبخشی

تشخوصبخشی زیرمجموعه‌هایی دارد که به طور کوتاه به برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

۱-۱-۳-۴. مشخصسازی^{۷۶} و نامشخصسازی^{۷۷}

اگر در بازنمایی کنشگران اجتماعی، هویت آن‌ها به‌نحوی مشخص و روشن شود، از شیوهٔ مشخصسازی استفاده شده است و هرگاه کنشگران به صورت افراد یا گروه‌های نامشخص و نامعلوم بازنمایی شوند، شیوهٔ نامشخصسازی به کار رفته است. استفاده از ادات، صفات و ضمایر مبهم و نامعین و ...، مانند هرکس، اندکی، بعضی، فلان، یک دانشجو و ...، به‌تهابی یا همراه با اسمی، از راههای تظاهر زبان‌شناختی نامشخصسازی است. در زیر، نمونه‌هایی از این دو شیوه را رائمه می‌دهیم:

۱. «او به‌همراه برخی قلم به مزدان اجنبی که روزگاری در مطبوعات کشور قلم می‌زند اتاق

فکر لندن را علیه ملت و انقلاب و اسلام تجهیز می‌کردند» (رسالت).

نمود زبانی: استفاده از صفت نامعین.

۲. «شاید عده‌ای حذف و رد صلاحیت برخی افراد را مستند به قانون بداند» (اعتماد).

نمود زبانی: استفاده از ضمیر نامعین (عده‌ای) و صفت نامعین (برخی افراد).

نویسنده معرفی دقیق این افراد را لازم نمی‌داند؛ هرچند ممکن است برخی خوانندگان آن‌ها را

بشناسند. از آنجا که عمل آن‌ها مهم است، نه خود افراد، به این صورت تصویرسازی شده است.

۱-۳-۴-۱. شیوه‌های مشخصسازی

الف. پیوند زدن^{۷۸}

در شیوهٔ پیوند زدن، کنشگران اجتماعی که دربارهٔ فعالیت یا دیدگاه خاصی نظر واحد دارند، به‌شکل گروهی و پیوسته بازنمایی می‌شوند. در پیکرهٔ پژوهش حاضر، از دو شیوهٔ زبان‌شناختی

برای این مؤلفه استفاده شده است؛ مانند نمونه‌های زیر:

۱. «فقط آنایی که کارشان به رسوایی کشید، تنگ پناهندگی به بیگانگان را پذیرفتند و رسماً جیره غذای خود را به دلار و یورو در آمریکا و اروپا می‌گیرند» (رسالت).

نمود زبانی: استفاده از همپاییگی^{۲۹}

آمریکا و اروپا در دشمنی با ملت و انقلاب، اشتراک دارند؛ بنابراین با یکدیگر پیوند خورده‌اند.

۲. «او به همراه برخی قلم به مزدان اجنبی که روزگاری در مطبوعات کشور قلم می‌زند، اتاق فکر لندن را علیه ملت و انقلاب و اسلام تجهیز می‌کرند» (رسالت).

نمود زبانی: استفاده از عنصر موقعیتی همراهی^{۳۰} (به همراه)

این افراد در پشتیبانی از لندن و غرب علیه ملت و انقلاب، اتفاق نظر دارند.

ب. تفکیک کردن^{۳۱}

در شیوه تفکیک کردن، یک کنشگر یا گروهی از کنشگرهای اجتماعی با صراحة از دیگر گروه‌های مشابه متایز می‌شود؛ به سخن دیگر، گروه «خودی»^{۳۲} و «غیرخودی»^{۳۳} شکل می‌گیرد و یا میان «ما»^{۳۴} و «آنها»^{۳۵} تفکیک ایجاد می‌شود.

۱. «آنها در راه تبلیغ مارکسیسم و آموزه‌های غرب آزادانه به اسلام و قرآن اهانت و آن را نمادی از آزادی مطبوعات و آزادی بیان تلقی می‌کردند و اگر مردم و نظام دربرابر آنها می‌ایستادند، جمهوری اسلامی را متهمن به نقض حقوق بشر می‌نمودند» (رسالت).

به شکل آشکاری میان شرق (مارکسیسم) و غرب که در سراسر متن آنها را دشمن ملت و نظام معرفی می‌کند و «مردم و نظام» تفکیک قائل شده است. سراسر متن را می‌توانیم به شکل مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و تصویرسازی‌های «خودی» و «غیرخودی» به تصویر درآوریم. یک مرزبندی بین «ما» (مردم و نظام) و «دیگران» (دشمن) شکل می‌گیرد.

در متن مورد بررسی، مؤلفه «تفکیک کردن» نمود صوری زبان‌شناختی ندارد و تفکیک به لحاظ معنایی صورت گرفته است.

۴-۱-۳-۱-۲. شیوه‌های تشخوصزدایی

همان‌طور که گفتیم، در تشخوصزدایی، کنشگرهای اجتماعی با مشخصه غیرانسانی بازنمایی

می‌شوند. تشخّص‌زدایی دو زیرمقوله انتزاعی کردن^{۷۷} و عینی‌سازی^{۷۸} دارد:

در انتزاعی کردن، یک ویژگی کنشگر جایگرین او می‌شود، کنشگر بدین شیوه بازنمایی می‌شود و این بازنمایی از طریق اسامی معنا در زبان متجلی می‌شود. از انتزاعی کردن برای تنزل افراد و گروه‌ها تا حد شیء استفاده می‌شود. به یک نمونه از این شیوه توجه کنید:

۱. «این خطمشی در عمل به شرایطی انجامید که ادبیات پرخاشگری و بعضًا غیراخلاقی کاهش می‌یافت» (شرق).

پرخاشگری ویژگی کنشگر است که به جای خود کنشگر عینیت و صراحت یافته و با این شیوه، کنشگر یک مرحله به حاشیه رانده شده است.

عینی‌سازی با اهداف متقاوی صورت می‌گیرد؛ گاهی برای اقتداربخشی به افراد و زمانی برای سلب مسئولیت از کنشگر اصلی. عینی‌سازی انواعی دارد که عبارت‌اند از:

الف. مکان‌داری^{۷۹}: در مکان‌داری، بازنمایی کنشگر اجتماعی به‌کمک مکانی صورت می‌گیرد که در بافتی مشخص بسیار با آن عجین شده است:

۱. «طی چند دهه گذشته، دههای پروره استعماری [...] و مخصوصاً پروژه‌های پرهزینه آمریکا و متحداش طی ۲۲ سال گذشته، از جمله آن‌ها است [...]» (کیهان).

آمریکا به جای دولت و سیاستمداران آمریکا بازنمایی شده است.

ب. ابزار‌داری^{۸۰}: در ابزار‌داری، تصویرسازی به‌کمک اشاره به ابزار صورت می‌گیرد:

۲. «آن‌ها عمداً قلم خود را به دروغ، تهمت، اهانت و تشویش اندکان می‌آوردند [...]» (رسالت).

ابزار مورد استفاده عامل به جای خود عامل تصویرسازی شده است. بر جستگی از کنشگر اجتماعی گرفته شده است و با این شیوه عامل به حاشیه رفته است.

ج. گفته‌داری^{۸۱}: در گفته‌داری، بازنمایی به‌کمک اشاره به گفته‌ها و نوشت‌های کنشگران است:

۲. «به‌خاطر دارم در یکی از جلسات معمول که با سردبیران روزنامه‌ها داشتم، گزارشی عرضه شد که حاکی از [...]» (شرق).

د. اندام‌داری^{۸۲}: در اندام‌داری، عینی‌سازی به‌کمک اشاره به بخشی از بدن کنشگر اجتماعی صورت می‌گیرد و بدین‌گونه بازنمایی می‌شود:

۴. آن‌ها شب گفته‌های بی‌بی‌سی و رادیو آمریکا را در روز در رسانه‌ها تکرار می‌کردند و وقتی دستچشان رو شد، مجبور شدند به اتاق فرمان خود در غرب برگردند [...]» (رسالت). اندام افراد به عنوان کنشگر و مسئول بازنمایی می‌شود. این شیوه کنشگر را یک مرحله در حاشیه و پس‌زمینه قرار می‌دهد.

۴-۱-۴. تعیین ماهیت^{۴۲}

تعیین ماهیت کنشگران اجتماعی همانند تعیین نوع اشاره و نقش آن‌ها، از عوامل تعیین‌کننده در چگونگی بازنمایی آن‌ها است. کنشگران را می‌توانیم به صورت جنس‌ارجاعی^{۴۳} یا نوع‌ارجاعی^{۴۴} تصویرسازی کنیم. بازنمایی کنشگران به صورت جنس (عام) و یا نوع (خاص) گفتمان‌مدار است. نکته شایان توجه، عقیده جامعه‌شناسان درباره ارتباط مستقیم این دو مؤلفه جامعه‌شناسی-معنایی با طبقات اجتماعی است. به عقیده بوردیو^{۴۵} (۱۹۸۶)، در گفتمان طبقه کارگر، بیشتر نوع‌نگری برقرار است و در گفتمان طبقه حاکم و بورژوازی، جنس‌نگری. به قول ویرجینیا ول夫، «افکار کلی همیشه افکار ژنرال‌ها است»^{۴۶}؛ زیرا دنیای روزنامه‌ها دنیای حاکمان و ژنرال‌ها است، نه دنیای مردم تحت سلطه. این تفاوت در تصویرسازی را ون لیوون (۱۹۹۶) در روزنامه‌های حامی طبقات اجتماعی و جناح‌های سیاسی مقاومت تشریح کرده است:

در روزنامه‌های طبقه متوسط مثل «سیدنی مورنینگ هرالد»^{۴۷}، برای اشاره به دولتیان، خبگان و متخصصان بیشتر از شیوه نوع‌ارجاعی و برای اشاره به مردم عادی از شیوه جنس‌ارجاعی استفاده می‌شود. از سوی دیگر، در روزنامه‌های مختص طبقه کارگر، مثل دلی تلگراف^{۴۸}، شیوه بازنمایی بر عکس است: مردم عادی نوع‌نگری می‌شوند و دولتیان و خبگان جنس‌نگری (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۷۱).

منظور از «جنس‌ارجاعی» بازنمایی کنشگران به صورت طبقات و افراد عام است؛ مانند مردم، دشمن، اشرار، عوام، زن، انسان، بچه، جوانان، مخاطبان و نویسنده‌گان:

۱. «ویژه‌نامه [...] بلاfaciale پس از انتشار با موج گسترده‌ای از خشم توأم با اعتراض مردم و مجتمع علمی و دینی رو به رو شد [...]» (کیهان).

مردم به صورت جنس‌ارجاعی بازنمایی شده‌اند. جنس‌ارجاعی حالتی است که استثنای‌پذیر

نیست و همه مردم را دربر می‌گیرد. تصویرسازی مردم به صورت یک «کل» دربرابر توهین و تهدید بیگانگان و عوامل داخلی آن‌ها هدفمند و گفتمان‌دار است.

نمود زبانی: استقاده از اسم عام جمع.

۲. «[...] غفلت از تهاجم فرهنگی دشمن و نفوذ آنان در فضای رسانه‌ای کشور را یکی از ضعف‌های اساسی و مهم‌ترین تهدید کلیدی یاد کردند» (رسالت).

«دشمن» به صورت اسم جنس بازنمایی شده است. نویسنده در همه‌جای متن، دشمن را به شکل جنس‌ارجاعی تصویرسازی می‌کند تا یک «کل» دربرابر ملت و نظام تصویر شود.

نمود زبانی: به صورت اسم مفرد.

«نوع ارجاعی» دو زیرمقوله فرد ارجاعی^{۴۹} و گروه ارجاعی^{۵۰} دارد. «فرد ارجاعی» زمانی است که کنشگر به صورت فرد نمایانده شود؛ مانند محمدرضا خان، مایکل لدین، کنت تیمرمن، وی و او:

۱. «از آن زمان سالروز قتل آقای صارمی، روز نمادین در بزرگداشت ضرورت آزادی مطبوعات و نقش بی‌بديل روزنامه‌نگاران و خبرنگاران در این فرآیند است» (شرق).

کنشگر به صورت نوع ارجاعی تصویرسازی و نامدهی شده است؛ زیرا سالگرد اعدام او به عنوان روز خبرنگاری نامگذاری شده است و نماد خبرنگاران و روزنامه‌نگاران مستقل است.

نمود زبانی: استقاده از اسم خاص.

۲. «[...] یکی از مسئولان فرهنگی کشور نگاه ایشان را تخطئه کرد و گفت «تهاجمی» در کار نیست [...]» (رسالت).

نمود زبانی: استقاده از اسم مفرد نکره.

«گروه ارجاعی» بازنمایی کنشگر به صورت گروه است و دو زیرمقوله کلی ارجاعی^{۵۱} و مجموعه ارجاعی^{۵۲} دارد. اگر در گروه ارجاعی، گروه‌های کنشگران با عدد و رقم نشان داده شوند، مجموعه ارجاعی به کار رفته و در غیر این صورت، کلی ارجاعی است. به مثال‌های زیر توجه کنید:

کلی ارجاعی:

۱. «با استناد به این حاشیه‌سازی، اصرار داشتند به مردم مسلمان منطقه بقبولاند که ایران اسلامی نمی‌تواند الگوی خیزش شما باشد [...]» (کیهان).

نمود زبانی: استقاده از اسم جمع که به گروهی از مردم دلالت دارد.

بازنمایی «مردم مسلمان منطقه» به شیوه کلی ارجاعی، حالت بدون استثنای همه آن‌ها را تداعی می‌کند. پیش‌فرض عبارت بالا این است که او لا همه مردم مسلمان منطقه از ایران تصویر مطلوب و مثبتی دارند و آن را الگوی خیش اسلامی خود قرار داده‌اند و ثانیاً اقدامات بیگانگان و جریان انحرافی وابسته به آن‌ها درجهت مخدوش کردن این الگو در نگاه مسلمانان منطقه است.

۲. «به هر حال، روز خبرنگار روزی است که باید نقش و جایگاه این گروه ممتاز در جامعه بازشناسی شده و روز بزرگداشت آنان [...]» (شرق).

نمود زبانی: استقاده از «اسم جمع».

مجموعه‌ارجاعی:

۱. «امروز شمار زیادی از کارکنان رسانه‌های دشمن در اروپا و آمریکا را کسانی تشکیل می‌دهند که طی سه دهه گذشته در مطبوعات ایران و دیگر رسانه‌های داخل قلم می‌زند» (رسالت).

«کارکنان رسانه‌های دشمن» به صورت مجموعه ارجاعی تصویرسازی شده است. نویسنده به این صورت کثرت آن‌ها و درنتیجه، لزوم توجه به این مسئله و برخورد با آن‌ها را نشان می‌دهد.

نمود زبانی: استقاده از سور (كمیت‌نما)^۳ به همراه اسم.

۲. «این نظریه نیز قابل قبول نیست؛ زیرا به یقین می‌دانند که وقتی آشکارا علیه آموزه‌های اسلامی حجاب و عفاف موضع می‌گیرند، آرای احتمالی خیل عظیم و چندده میلیونی مسلمان را ازدست می‌دهند» (کیهان).

نمود زبانی: استقاده از عدد به همراه اسم.

۴-۴. بازکاوی ایدئولوژی

تحلیل گفتمان انتقادی تمایل زیادی به بررسی راههایی دارد که از طریق آن‌ها و در نهادهای اجتماعی گوناگون، ایدئولوژی در زبان انعکاس می‌یابد. از نظر وداک، ایدئولوژی مهم‌ترین جنبه در ایجاد، حفظ و تثییت روابط قدرت نابرابر است (Wodak, 2006: 6). میان مؤلفه‌های گفتمان‌مدار و ایدئولوژی، رابطه دوسویه برقرار است و با بررسی این مؤلفه‌ها می‌توانیم به ایدئولوژی پنهان در آنسوی گفتمان و ایدئولوژی حاکم بر ذهن نویسنده‌گان متون پی ببریم. نمونه‌های عینی ایدئولوژی

حاکم بر چهار متن از روزنامه‌های اعتماد، شرق، رسالت و کیهان (از هر نشریه یک متن) عبارت‌اند از:

۴-۲-۱. ساخت زیرین ایدئولوژیک در متن روزنامه اعتماد، باعنوان «انتخابات و امنیت» (ش: ۹۰/۶/۱۵، ۲۲۵۲)

۱. یک انتخابات خوب و کامل به برقراری امنیت کمک می‌کند؛ ۲. مشارکت حداقلی مردم لازمه یک انتخابات خوب و سالم است؛ ۳. رد صلاحیت‌ها، نابرابری‌های تبلیغاتی و نیز رعایت نکردن امانت در آرای مردم، تهدیدی علیه امنیت جامعه است؛ ۴. انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸، برخلاف انتخابات ۷۶ فاقد مؤلفه‌های یک انتخابات سالم بوده است و ۵. روند جاری در انتخابات کشور ناسالم و موجب تضعیف امنیت جامعه است.

۴-۲-۲. ساخت زیرین ایدئولوژیک در متن روزنامه شرق، باعنوان «روز خبرنگار و مطبوعات مستقل» (ش: ۹۰/۵/۱۹، ۷۶۳۴)

۱. تنوع و تکثر روزنامه‌ها و مطبوعات و آزادی و استقلال آن‌ها از مؤلفه‌های یک جامعه سالم است؛ ۲. فقدان یک فضای رسانه‌ای آزاد و مستقل موجب افزایش تخلفات دستگاه اجرایی و تراکم خواستها و بحرانی شدن آن‌ها می‌شود؛ ۳. فضای رسانه‌ای جاری در کشور محدود و بسته است و ۴. بحران‌های به وجود آمده در کشور محصول این فضای محدود رسانه‌ای است.

۴-۲-۳. ساخت زیرین ایدئولوژیک در متن روزنامه رسالت، باعنوان «غفلت از تهاجم فرهنگی دشمن» (ش: ۹۰/۵/۱۷، ۱۳۱۴)

۱. مانند گذشته، عده‌ای با نفوذ در فضای رسانه‌ای کشور در امر تهاجم فرهنگی به دشمنان کمک می‌کنند؛ ۲. بسیاری از مسئولین در سطوح بالا در دولت اصلاحات، در گذشته و حال، از عوامل دست‌نشانده دشمن در امر تهاجم فرهنگی هستند و ۳. دستگاه قضایی و نهادهای مسئول امنیتی کشور باید با این افراد برخورد قهریه کنند.

٤-٢-٤. ساخت زیرین ایدئولوژیک در متن روزنامه کیهان، باعنوان «پادوهای اجاره‌ای!» (ش ۹۰/۵/۲۴، ۲۰۰۰)

۱. نویسنده‌گان و عاملان ویژه‌نامه خاتون وابسته به جریان موسوم به جریان انحرافی هستند؛
۲. جریان انحرافی وابسته به سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه هستند؛ ۳. جریان انحرافی در پیوند با جریان موسوم به جریان فتنه ۸۸ است و ۴. هدف عمدۀ آن‌ها از انتشار ویژه‌نامه یادشده تنش‌آفرینی، تفرقه‌افکنی و اخلال در امور داخلی و بین‌المللی کشور است.

تحلیل‌های صورت‌گرفته درمورد متون مورد بررسی نشان می‌دهد که رویکرد عمومی نشریات اصلاح طلب (اعتماد و شرق)، بهره‌گیری از مؤلفه‌های حذف و تشخیص زدایی و تصویرسازی کشگران اجتماعی بهشیوه منفعل و پوشیده است؛ درحالی که رویکرد کلی در روزنامه‌های اصول‌گرا (رسالت و کیهان)، بهکارگیری مؤلفه‌های گفتمان‌مدار فعل‌سازی و بازنمایی کشگران بهشیوه فعل و صریح است. این تفاوت در نحوه تصویرسازی کشگر را می‌توانیم به نحوه نگرش و رویکرد کلی نشریه و میزان دسترسی به منابع قدرت مربوط بدانیم. این منابع ارزشمند قدرت می‌توانند ثروت، مقام، موقعیت اجتماعی، موقعیت سیاسی، نیرو، تحصیلات، یا دسترسی به منابع اطلاعات باشند. هرچه میزان دسترسی به منابع قدرت بیشتر باشد، متن صریح‌تر و شفاف‌تر است و بازنمایی کشگران اجتماعی بهشیوه فعل صورت می‌گیرد و هرچه میزان دسترسی به منابع قدرت کمتر باشد، نویسنده‌گان و پدیدآورنده‌گان متون ناگزیر به پوشیده‌گویی و بیان غیرمستقیم افکار و ایدئولوژی خود و بازنمایی کشگر بهشیوه منفعل می‌پردازند.

۵. نتیجه‌گیری

از آنجا که تحلیل گفتمان انتقادی به بررسی رابطه میان زبان و اندیشه می‌پردازد و با رازگشایی از ساختارهای زیرین زبان، جنبه‌های فکری و پنهان آن را آشکار می‌کند، در این پژوهش کوشیدیم با با بهره‌گیری از الگوی ون لیوون (۱۹۹۶) و بررسی شیوه‌های بازنمایی کشگران اجتماعی در متون مطبوعاتی فارسی‌زبان امروز، به ایدئولوژی نهفته در پس این متون و تأثیر آن بر چیدمان گفتمان رایج در جامعه مطبوعاتی این دوره پی‌بریم. گفتنی است که نتایج زیر در سطح پیکرۀ ۴ متن مورد تحقیق قابلیت تعیین دارند، نه در سطح کلی؛ زیرا قضاوت درمورد پاسخ

قطعی به پرسش‌های تحقیق به پیکرهٔ بسیار وسیع‌تر نیاز دارد و تحقیق دیگری می‌طلبد. در پاسخ به پرسش نخست پژوهش، باید بگوییم که ایدئولوژی حاکم بر ذهن نویسندهان، گروه‌ها و صاحبان اندیشه، با بهره‌گیری از مؤلفه‌های گفتمان‌دار جامعه‌شناختی-معنایی همچون شخص‌بخشی، شخص‌زدایی، فعال‌سازی، کمرنگ‌سازی، تفکیک کردن و ... در متن منعکس می‌شود. مؤلفه‌های گفتمان‌دار می‌توانند زبان‌شناختی یا جامعه‌شناختی-معنایی باشند؛ اما با بررسی نتایج، به‌نظر می‌رسد که کارایی مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی در نشان دادن لایه‌های متفاوت گفتمان و آشکارسازی معنای پنهان متن بیشتر باشد.

در پاسخ به پرسش دوم پژوهش، باید بگوییم که ظاهر زبان‌شناختی ساخت‌های گفتمان‌دار در متن بیشتر در قالب ساخت‌های زبانی، همچون فرآیند اسم‌سازی، معلوم در برابر مجهول، همپاییگی، استفاده از عنصر موقعیتی همراهی و ... صورت می‌گیرد. نکته مهم در زمینه ارتباط میان مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی از یک سو و مؤلفه‌های زبان‌شناختی از سوی دیگر، این است که همه مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی لزوماً نمود صوری زبان‌شناختی ندارند؛ برای نمونه، مؤلفه «تفکیک کردن» نمود صوری و روساختی زبان‌شناختی ندارد و تفکیک به‌لحاظ معنایی در کل متن صورت می‌گیرد.

در پاسخ به پرسش سوم پژوهش، می‌توانیم بگوییم که همان‌گونه که در بخش‌های پیشین پژوهش حاضر گفتیم، میان مؤلفه‌های گفتمان‌دار و ایدئولوژی، رابطه دوسویه برقرار است و با بررسی این مؤلفه‌ها می‌توانیم به ایدئولوژی پنهان در پس گفتمان و ایدئولوژی حاکم بر ذهن نویسندهان متن پی ببریم. در این پژوهش، با استخراج مؤلفه‌های گفتمان‌دار جامعه‌شناختی-معنایی و بررسی‌های کمی (در حد ۴۰ متن مورد تحقیق) و کیفی، توانستیم به ایدئولوژی حاکم بر متن پی ببریم.

در پژوهش حاضر، نشان دادیم که ساخت‌های زبانی در متن در خدمت مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی قرار می‌گیرد. البته این مؤلفه‌ها نیز به‌نوبه خود توسط ایدئولوژی‌ها و ایدئولوژی‌ها نیز به‌وسیله روابط قدرت در گستره وسیع‌تر و کلان جامعه تعیین می‌شوند. فرکلاف هدف غایی و کاربردی‌تر تحلیل گفتمان انتقادی را افزایش هوشیاری مردم نسبت به زبان و قدرت و به‌ویژه نسبت به اینکه چگونه زبان در سلطه بعضی‌ها بر بعضی دیگر نقش دارد، می‌داند (Fairclough, 1989: 4).

است.

یکی از پیامدهای نظری پژوهش حاضر صهی گذاشتن بر ادعای زبان‌شناسان نقش‌گرا، مبنی بر تقدیم نقش بر صورت است. در مقابل زبان‌شناسان صورت‌گرا که صورت زبان را مقدم بر نقش آن می‌دانند، نقش‌گرایان معتقدند که این نقش کاربردی زبان است که صورت زبانی را در اداره خود می‌گیرد. در این پژوهش، با تحلیل‌های انجام‌شده نشان دادیم که صورت زبان به‌گونه‌ای شکل می‌گیرد که بتواند نقش‌هایی را ایفا کند که توسط گفتمان به آن محول می‌شود. گزینش واژه‌های خاص، سازکارهای نحوی همچون مجھول‌سازی، اسم‌سازی، همپاییگی، استقاده از ضمایر خاص و ... که در سطح جمله و در ساختار درونی بند و جمله عمل می‌کنند، همگی در خدمت ایفای نقشی هستند که ساختارهای اجتماعی بزرگ‌تر از زبان به زبان محول کرده‌اند.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. critical discourse analysis
2. power relations
3. discursive structures
4. social actors
5. socio-semantic features
6. T. Van Leeuwen
7. M. Foucault
8. G. Kress
9. A. Gramsci
10. action
11. reaction
12. the representation of social actors
13. patient
14. agent
15. chain sampling
16. exclusion
17. inclusion
18. suppression
19. backgrounding
20. role allocation
21. activation
22. passivation
23. reference allocation
24. personalization

25. impersonalization
26. determination
27. indetermination
28. association
29. coordination
30. accompaniment circumstantial
31. differentiation
32. self
33. other
34. us
35. them
36. abstraction
37. objectivation
38. spatialization
39. instrumentalization
40. utterance autonomization
41. somatization
42. type allocation
43. genericization
44. specification
45. P. Bourdieu
46. general ideas are always generals' ideas.
47. Sydney Morning Herald
48. daily telegraph
49. individualization
50. assimilation
51. collectivization
52. aggregation
53. quantifier

۷. منابع

- آفگلزاده، فردوس (۱۳۸۲). «روش‌شناسی تحقیق در تحلیل گفتمان انتقادی». *مجموعه مقاله‌های ششمین کنفرانس زبان‌شناسی*. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- ————— (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی*. تهران: علمی و فرهنگی.
- آفگلزاده، فردوس و مریم غیاثیان (۱۳۸۶). «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی». *زبان و زبان‌شناسی*. س. ۳. ش. ۱. صص ۳۹-۵۴.

- روزنامه‌اعتماد (۱۳۹۰). یادداشت روز. ش ۲۲۵۳ ۱۵ شهریور.
- روزنامه رسالت (۱۳۹۰). سرمقاله. ش ۷۶۳۴ ۱۹ مرداد.
- روزنامه شرق (۱۳۹۰). سرمقاله. ش ۱۳۱۴ ۱۷ مرداد.
- روزنامه کيهان (۱۳۹۰). یادداشت روز. ش ۲۰۰۰ ۲۴ مرداد.
- سلطانی، علی‌اصغر (۱۳۸۴). قدرت، گفتمان و زبان. تهران: نشر نی.
- پوشنه، آتنا و مرتضی بابک معین (۱۳۹۲). «تحلیل گفتمان انتقادی در اثری از ابراهیم گلستان با استفاده از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی- معنایی گفتمان‌دار با توجه به بازنمایی کارگزاران اجتماعی». *جستارهای زبانی*. د ۴. ش ۲. صص ۱-۲۵.
- صحرائگرد، رحمان و حکیمه شیروانی (۱۳۹۱). «بازنمایی هویت شهروندان ایرانی مهاجر در متون مطبوعاتی داخل و خارج از کشور از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی با عنایت به مؤلفه‌های گفتمان‌دار جامعه‌شناختی- معنایی». *دومین همندیشی تحلیل گفتمان و کاربردشناستی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کلانتریان، ندا (۱۳۹۱). *توصیف و تحلیل زبان‌شناختی گفت و گوهای هسته‌ای ایران بین دو جناح اصلاح طلب و اصول‌گرا: دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۳). *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*. تهران: هرمس.
- یارمحمدی، لطف‌الله و لیدا سیف (۱۳۸۵). *ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی*. تهران: هرمس.
- یارمحمدی، لطف‌الله و لیدا سیف (۱۳۸۳). «بازنمایی کارگزاران اجتماعی در منازعات فلسطین و اسرائیل از طریق ساختارهای گفتمان‌دار جامعه‌شناختی- معنایی». *مجموعه مقاله‌های ششمین کنفرانس زبان‌شناسی*. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی. صص ۳۳۴-۴۲۱.

References:

- Bourdieu, P. (1986). *Distinction: A Social Critique of the judgments of Texts*. Cambridge: Polity Press.
- *E'temad Newspaper* (2011). Daily Note. No. 2253. 15 September [In Persian].
- Fairclough, N. (1989). *Language and Power*. London: Longman.
- Hodge, R. & G. Kress (1979). *Language and Ideology*. London: Routledge.

- Jorgenson, M. & L. Phillips (2002). *Discourse Analysis as Theory and Method*. London: Sage Publications.
- Kalantari, N. (2012). *Linguistic Description and Analysis of Iran Nuclear Talks between Reformists and Fundamentalists: Critical Discourse Analysis*. MA thesis. TMU [In Persian].
- Keyhan Newspaper (2011). Daily Note. No. 20000. 24 August [In Persian].
- Kress, G. (1985). *Linguistic processes in sociocultural Practice*. Victoria, Australia: Deakin University Press.
- Poushane, A. & M.B. Moien (2013). "The Representation of Social Actors via Socio-semantic Features in a Story by Ebrahim Golestan: A CDA Study". *Language Related Research*. Vol. 4, No. 2. pp. 1- 25 [In Persian].
- Qaglzadeh, F. (2004). "Methodology of research in critical discourse analysis." Articles of the Sixth Linguistics Conference. Tehran: Allameh Tabatabai University [In Persian].
- ----- (2006). *Critical Discourse Analysis*. Tehran: Elmi & Farhangi [In Persian].
- ----- & M. Ghiasian (2007). "Critical discourse analysis". *Language and Linguistics*. Year 3, No. 1. pp. 39- 54 [In Persian].
- Resalat Newspaper (2011). Editorial. Sat. 19 August, No. 7634 [In Persian].
- Sahragard, R. & H. Shirvani (2012). "Representation of immigrant citizens in Press texts within and outside the country from the perspective of critical discourse with respect to the components of cognitive-semantic-oriented dialogue". *Second Seminar on Discourse Analysis and Pragmatics*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies [In Persian].
- Shargh Newspaper. (2011). Editorial. No. 1314. 17 August [In Persian].
- Soltani, A.A. (2005). *Power, Discourse and Language*. Tehran: Ney Publications [In Persian].
- Van Dijk, T.A. (1989). *Text and Context: Explorations in the Semantics and Pragmatics of Discourse*. London: Longman.



- Van Leeuwen, T.A. (1996). "The representation of social actors". In Coldas-Coulthard, C. R. & M. Coulthard (eds.), *Text and Practices, Reading in CDA*. London: Routledge.
- ----- (1993). "Genre and field in CDA". *Discourse and Society*. Vol. 4. No. 2. pp. 193- 225.
- Wodak, R. & M. Meyer (2009). *Methods of Critical Discourse Analysis*. London: Sage. 2nd revised Edition. In press.
- Wodak, R. (1995). "Critical linguistics and critical discourse analysis". 204- 210 In *Handbook of Pragmatics- Manual*. (eds.). J. Verschuren and et.al. Amsterdam: John Benjamins.
- ----- (2006). "Mediation between discourse and society: Assessing cognitive approaches in CDA". *Discourse and Society*. Vol. 8. No. 1. pp. 179- 190.
- Yar-Mohammadi, L. & L. Saif (2004). "Representation of social agents in the Palestinian-Israeli conflict through community-based cognitive-semantic structures of discourse ". Articles of the Sixth Linguistics Conference. Tehran, Allameh Tabatabai University. pp. 334- 421 [In Persian].
- Yar-Mohammadi, L. (2006). *Communication from the Perspective of Critical Discourse*. Tehran: Hermes [In Persian].
- ----- (2004). *Popular and Critical Discourse Studies*. Tehran: Hermes [In Persian].